

گزارش یک

فرشید پرهام

ترامپ که طی سه ماه گذشته بارها حمله به ایران را اقدامی ضروری برای جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای معرفی می کرد، اکنون صراحتاً اعتراف کرده که ورود به تقابل با ایران تصمیم اشتباهی بود. او البته خیلی زود تلاش کرد از شدت این موضع‌گیری بکاهد و مدعی شد اگر واشتینگتن چنین اقدامی انجام نداده بود، ایران تا امروز به بمب اتم دست یافته بود. با این حال، طرح چنین اظهاراتی بیش از هر چیز بیانگر ناتوانی امریکا در مواجهه با تهران و تلاش برای یافتن راهی‌ای پرومندانه جهت خروج از بحرانی است که خود آغازگر آن بود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا که از ابتدای جنگ بارها از مواضع اعلانی خود در قبال ایران عقب‌نشینی کرده بود، این بار به صراحت موضعی را بیان کرد که منتقدانش بارها علیه او مطرح کرده بودند. ترامپ در گفت‌وگو با فاکس نیوز تأکید کرد: «ما ارتش ایران را تقریباً دست‌نخورده گذاشتیم و خیلی‌ها از شنیدن این موضوع تعجب می‌کنند.» ترامپ همچنین برای اولین بار به اشتباه بودن حمله به ایران اعتراف کرد و گفت: «اصلاً نباید درگیر ایران می‌شدیم.»

ترامپ برای اینکه نشان دهد این اشتباه تنها به او محدود نمی‌شود، بار دیگر رای جنگ‌افروزی دولتهای پیشین امریکا را به میان کشید و گفت: «نگاه کنید به عراق چه گذشت. ما خیلی بد عمل کردیم. کاری که کردیم یک اشتباه بزرگ بود. اول از همه، ما هرگز نیاید به آنجا می‌رفتیم. ما همچنین نباید درگیر ایران می‌شدیم.»

ترامپ برای آنکه خود را از زیر بار انتقادهای داخلی و خارجی خارج کند، بافاصله کوشید اظهاراتش را اصلاح کرده و چنین القا کند که حتی در صورت پرهیز از جنگ نیز شرایط می‌توانست به گونه‌ای دیگر رقم بخورد و در این باره مدعی شد: «هرچند ایران آن قابلیت را دارد. اگر نه ماه پیش با بمباراکن‌های بی-۲۰ به آن‌ها حمله می‌زدیم، الان یک سلاح هسته‌ای داشتند و همه چیز طور دیگری می‌شد.»

ترامپ تا پیش از این بارها تأکید کرده بود که تقابل با ایران به دلیل تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای اقدامی ضروری بوده و بر همین اساس توانسته بود تا حدی حمایت جمهوری خواهان و برخی متحدان خارجی خود را نیز باین سیاست همراه کند. از این‌رو، اعتراف صریح به اشتباه بودن این جنگ می‌توانست هزینه سیاسی سنگینی برای او به همراه داشته باشد؛ چرا که نه‌تنها می‌توانست واکنش منفی افکار عمومی

چشم‌انداز

کابوس اسرائیل از پهپادهای FPVدر کرانه باختری

نگرانی‌های امنیتی اسرائیل از کرانه باختری وارد مرحله تازه‌ای شده است. این بار نه عملیات‌های مسلحانه سنتی و نه موشک‌ها، بلکه پهپادهای کوچک و ارزان قیمت FPV و کواد کوپتره‌های انفجاری در مرکز توجه نهادهای امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی قرار گرفته‌اند؛ تهدیدی که به باور برخی تحلیلگران اسرائیلی می‌تواند عملادات امنیتی این رژیم را دستخوش تغییر کند. رسانه‌های عبری در روزهای اخیر گزارش داده‌اند که صدها کواد کوپتر در مناطق مختلف کرانه باختری شناسایی شده‌اند؛ موضوعی که موجب افزایش سطح آمارهشای ارتش اسرائیل شده است. پهپادهای First Person View (FPV) معمولاً پهپادهای کوچکی هستند که از طریق دوربین نصب‌شده روی بدنه، به صورت زنده توسط اپراتور هدایت می‌شوند و به دلیل استفاده از فیبر نوری، خارج از سیستم GPS قرار می‌گیرند، ویژگی که رهگیری آنها دشوار کرده‌است. این پهپادهای می‌توانند با هزینه‌ای بسیار کمتر از موشک‌ها، مواد منفجره را با دقت بالا به سمت خود، خودروها، تجمع نیروها، سامانه‌های راداری و حتی زیرساخت‌های حساس هدایت کنند. شبکه عبری 24NEWS به نقل از منابع نظامی گزارش داده که برآوردهای امنیتی نشان می‌دهد پهپادهای پرتاب‌شده از کرانه باختری صرفاً تهدیدی برای شهرک‌های صهیونیست‌نشین این منطقه نیستند، بلکه می‌توانند به بخش‌هایی از مرکز اسرائیل نیز دسترسی پیدا کنند. یانوش شالوم، خبرنگار نظامی شبکه عبری ای ۲۴ گفت که تهدید ناشی از پهپادها در کرانه باختری نیز به موضوعی حساس تبدیل شده است. شالوم مدعی شد که تعداد هشدارها در خصوص عملیات در کرانه باختری در مقایسه با همه‌های اخیر کم است و این یک دستاورد بزرگ – به ویژه در زمان جنگ – محسوب می‌شود.

این نگرانی از آنجا اهمیت بیشتری یافته که ارتش اسرائیل همچنان برای مقابله مؤثر با پهپادهای کوچک و کم‌ارتفاع یا چالش‌رویه‌ر است. تجربه نبردهای اخیر در جبهه لبنان نشان داد که پهپادهای FPV و کواد کوپتره‌های انتحاری می‌توانند با هزینه‌ای اندک خسارت‌های قابل توجهی ایجاد کنند. روزنامه هارتس به نقل از یک منبع نظامی اعتراف کرده که استفاده حزب‌الله از این پهپادها ارتش اسرائیل را غافلگیر کرده و هنوز پاسخ عملیاتی کامل‌مؤثری برای مقابله با آنها وجود ندارد. نخبه‌های نگرانی فرایند تل آویو را می‌توان در برخی حوادث میدانی نیز مشاهده کرد. هفته گذشته نظامیان اسرائیلی در نزدیکی رام‌الله به سوی یک هواپیمای غیرنظامی تراباندازی کردند زیرا آن را با یک پهپاد اشتباه گرفته بودند. هر چند این حادثه تلفات جانی نداشت، اما نشان داد که حساسیت نبردهای اسرائیلی نسبت به هر گونه برنده کوچک در آسمان کرانه باختری تا چه اندازه افزایش یافته است.

در حالی که حساسیت نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، پهپادهای FPV، را یک خطر جهانی توصیف کرده و وعده داده که اسرائیل بر آنها غلبه خواهد کرد، بتسلین اسموئریچ، وزیر درایی رژیم صهیونیستی، به تازگی بودجه‌ای حدود ۲میلیارد شکل برای توسعه راهکارهای فناوریانه و مقابله با عملیات پهپادی که فعلاً عمدتاً در لبنان فعال است، تصویب کرد که نشانه جدی بودن وضعیت است.

تحلیل

مهرداد اصغریان

باز گشت اسرائیل به «باتلاق لبنان ۱۹۸۲»

نتانیاهو پس از اشغال مجدد قلعه بوفر؛ امروز ما به شکلی متفاوت بازگشتیم

وزیر جنگ و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دیروز در شش‌ریطی تصرف قلعه بوفر را به عنوان دستاوردی چشمگیر معرفی کردند که حملات حزب‌الله به مواضع آنها ادامه دارد و تحلیل کارشناسان حاکی از این است که تل آویو با این اقدام، عملاً یک باز دیگر در مسیر تجربه قبلی تسخیر این قلعه که همرا به شکستی سنگین بود، گام گذاشته است. باوج گرفتن نبردها میان حزب‌الله و متجاوزان صهیونیست، اسرائیل کاتس از گسترش عملیات ارتش این رژیم در لبنان، عبور از رود لیتانی و تصرف قلعه راهبردی بوفر خبر داد. اقلیمی که بنیامین نتانیاهو از آن با عنوان «تغییری چشمگیر» که عرصه میدانی یاد کرد. او در پیامی ویدئویی گفت: «امروز ما به شکلی متفاوت به بوفر بازگشتیم. ما متحد، مصمم و قوی‌تر از همیشه بازگشته‌ایم.» او اضافه کرد: «صرف قلعه بوفر یک مرحله و یک تغییر اساسی در سیاستی است که در پیش گرفته‌ایم. ما مانع ترس را از میان برداشته‌ایم و ابتکار عمل را در دست داریم و در همه جبهه‌ها، در سوریه، غزه و لبنان در حال عملیات هستیم.» هم‌راستا با این اظهارات، رسانه‌های صهیونیست نیز اذعان کردند که امریکا به اسرائیل اجازه داده است فراتر از جنوب لبنان عملیات و حمله انجام دهد. اهمیت این قلعه علاوه بر موقعیت ممتاز آن بر بلندی‌های جنوب لبنان مشرف بر رودخانه لیطانی، به پیشینه تاریخی آن برمی‌گردد که آن را به نماد قدرت تبدیل کرده است. کنترل این نقطه، دید کامل و آتش مستقیم را بر بخش‌های وسیعی از جلیل، شهرک‌های صهیونیست‌نشین شمالی و راه‌های دسترسی به شهر مهم نبطیه که آن را به یک قرارگاه لجستیکی و اطلاعاتی کلیدی برای حزب‌الله تبدیل کرده است، امکان‌پذیر می‌کند. اما در زمینه تاریخی، هم لبنان و هم صهیونیست‌ها حافظه تاریخی دارند. صهیونیست‌ها برای بار نخست آن را در سال ۱۹۸۲ قلعه بوفر را اشغال و تا سال ۱۹۸۰ همرا با تلفات سنگین، آن را حفظ کردند. با آزادسازی این قلعه به دست حزب‌الله، این نقطه عملاً به نماد «اتلاق لبنان» و یک «ترمز روانی» بزرگ برای اشغالگران تبدیل شده‌است. نتانیاهو با تکرار کلمه‌واژه «شکستن حصر ترس» به دنبال تازخی این شکست تاریخی از وجدان جمعی اسرائیل است. در مقابل، لبنان و مقاومت، قلعه ارانام مقاومت و پیروزی بر اشغالگران می‌دانند

■ **اولویت صهیونیست‌ها بقااست**

امروز، حتی رسانه‌های داخلی صهیونیست‌ها نیز از وضعیت موجود ابراز نگرانی کرده و بر خلاف تبلیغات رسمی، واقعیت تلخ میدانی را بازتاب می‌دهند. تحلیلی در وبگاه خبری ANNA تصریح کرد که ارتش اسرائیل برای تلاش برای زنده ماندن در یک جنگ فرسایشی به دنبال پیروزی، مجبور به تغییر راهبرد شده است. تحلیلگران معتقدند، هدف نابودی حزب‌الله از دستور کار خارج شده و اولویت به بقای نظامیان معطوف شده‌است. یکی دیگر از تفاوت‌های کلیدی با گذشته، وابستگی شدید امروز صهیونیست‌ها به تأیید و

پیرو المملک

سرویس بین‌الملل ۰۶۰۸۵۲۳۰

ترامپ: نباید در ایران دخالت می‌کردیم



هرمز، در کنار ناتوانی واشینگتن در دستیابی به اهداف اعلام‌شده خود در برابر ایران، دولت امریکا را ناچار کرده در مواضع پیشین خود بازنگری کند.

در آستانه انتخابات کنگره در ماه نوامبر، می‌توانست به فرصتی سیاسی برای دموکرات‌ها تبدیل شود تا با برجسته کردن ناکامی دولت ترامپ، کرسی‌های بیشتری را در کنگره به دست آورند. در چنین شرایطی، یک عقب‌نشینی آشکار در پرونده ایران می‌توانست در کنار پیامدهای نظامی، به شکستی سیاسی برای ترامپ نیز تبدیل شود و موقعیت او را در داخل امریکا بیش از پیش تضعیف کند.

از طرفی، اظهار اخیر ترامپ مبنی بر اینکه ارتش ایران دست‌نخورده باقی مانده، در تضاد مستقیم با مواضع پیشین او قرار دارد؛ موضوعی که در آن بارها مدعی شده بود توان نظامی ایران در همه عرصه‌ها نابود شده و تهران دیگر قادر به ایجاد تهدید علیه منطقه نیست. چنین اظهاراتی و عقب‌نشینی‌های مکرر در قبال ایران نشان می‌دهد ترامپ در این سه ماه گذشته فشارهای سنگینی قرار داده‌است. تداوم اسناد تنگه

چندان هم برای امریکا بد نبوده است، ادعا کرد: «در حالی که جنگ داریم، اقتصادمان دارد ر کورد می‌زند. امروز هم بکر رکورد تاریخی دیگر ثبت شده عدد ۶۹ که بالاترین سطح تاریخی‌اش رسید.» این در حالی است که گزارش‌ها نشان می‌دهد هزینه جنگ برای امریکا فشار سنگینی را برای معیشت میلیون‌ها امریکایی وارد کرده‌است.

■ **لحن نرم، شروط سخت**

اگرچه مقام‌های واشینگتن در اظهارات اخیر خود لحن ملایم‌تری در پیش گرفته‌اند، اما شواهد نشان می‌دهد در روند مذاکرات همچنان موضعی سخت‌گیرانه را دنبال می‌کنند. در ادامه روایت‌های مختلف از سوی منابع امریکایی در ارتباط با یادداشت تفاهم میان امریکا و ایران، روزنامه نیویورک تایمز نیز به نقل از منبع آگاه خود گزارش داد که ترامپ شروط مربوط به چارچوب یک توافق احتمالی با ایران را سختگیرانه‌تر کرده و اصلاحات پیشنهادی را به تهران ارسال کرده است. طی روایات گذشته، برخی گلمه‌زنی‌ها از تحولات یادداشت تفاهم میان ایران و امریکا، موجی از انتقادات علیه ترامپ را در امریکا برانگیخته است و بسیاری آن را یک شکست کامل برای او توصیف کرده‌اند. بر اساس گزارش نیویورک تایمز، ترامپ نسبت به برخی بدهدای این چارچوب، به‌ویژه مورد مرتبط با آزادسازی دارایی‌ها برای ایران ابراز نگرانی کرده است. همچنین یکی از مقامات امریکایی گفته‌است او از طولانی شدن روند پاسخ ایران به پیشنهادهای واشینگتن ابراز نارضایتی و خستگی کرده‌است.

ترامپ درباره روند مذاکرات و احتمال رسیدن به توافق با ایران نیز اشاره کرد و گفت: «اگر عجله کنید، توافق خوبی نخواهید بست. اما به آرامی و پیوسته، این اصلاحات، «ولادار کردن ایران به پذیرش چارچوب اولیه‌ای است که بیش‌تر به ایران ارائه شده بود.» در بخش دیگری از این گزارش آمده که چارچوب پیشنهادی ترامپ، شامل پایان درگیری‌ها در برابر رفع محدودیت‌های اعمال شده از سوی ایران بر تانکر هرمز است. روزنامه هارتس هم نوشت: «فغنی‌سازی ایران دیگر موضوع اصلی طرح‌های توافق نیست و بازگشایی تنگه هرمز و ارائه فرامت به تهران موضوع اصلی آنها هستند.»

سخن‌گویی‌های ترامپ در شرایطی ادامه دارد که ایران بارها تأکید کرده تنها زمانی به میز مذاکره بازخواهد گشت که شروط و مطالباتش مورد پذیرش قرار گیرد و اگر واشینگتن همچنان بر خواسته‌های خود اصرار دارد، هرمز و تانکرهای سنگین‌ترانی نخواهد بود.

ترامپ در ادامه برای اینکه نشان دهد رویواری با ایران

۱۵ جوان

روزنامه جوان | شماره ۷۶۲

گفت‌وگو

جنگ با ایران مهار نشود

به فروپاشی اقتصاد جهان می‌انجامد



مایکل هادسون، اقتصاددان امریکایی، پیامدهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی درگیری احتمالی با ایران را فراتر از یک جنگ منطقه‌ای تحلیل می‌کند. هادسون در گفت‌وگو با گلن دیسسن که خلاصه آن ترجمه شده، استدلال می‌کند که انرژی ستون فقرات اقتصاد جهانی است و هرگونه اختلال در جریان نفت و گاز می‌تواند به فروپاشی زنجیره تولید و یک رکود جهانی شدید منجر شود. هادسون همچنین از شکل‌گیری نوعی «نابودی متقابل اقتصادی» سخن می‌گوید که در آن هیچ طرفی از تشدید بحران سود نمی‌برد و کل نظم مالی بین‌المللی در معرض بی‌ثباتی قرار می‌گیرد. هادسون استاد پژوهشی در دانشگاه‌های مختلف از جمله دانشگاه میزوری – کانزاس سیتی است. او پیش‌تر تحلیلگر وال‌استریت و مشاور نهادهای مالی بین‌المللی بوده و در حوزه اقتصاد سیاسی، بدهی و امپریالیسم مالی شناخته می‌شود. آتارش بر نقش رانت، مالی‌سازی و نظم دلار تمرکز دارد.

■ ■ ■

گلن دیسسن: وقتی به درگیری با ایران نگاه می‌کنیم، به نظر می‌رسد این فقط یک جنگ نظامی نیست. برخی می‌گویند اثرات آن می‌تواند کل اقتصاد جهانی را دگرگون کند. آیا این نگاه اغراق آمیز است؟

مایکل هادسون: نه، اصلاً اغراق نیست. مشکل اینجاست که مردم هنوز فکر می‌کنند انرژی فقط یک «بخش» از اقتصاد است. در حالی که انرژی خود اقتصاد است. وقتی درباره نفت و گاز صحبت می‌کنیم، درباره چیزی حرف می‌زنیم که تمام تولید جهانی به آن وابسته است. اگر جریان انرژی مختل شود، شما فقط با افزایش قیمت روبه‌رو نیستید. شما با توقف تولید روبه‌رو هستید. کود تولید نمی‌شود، غذا تولید نمی‌شود، حمل‌ونقل متوقف می‌شود، آلومینیوم تولید نمی‌شود و حتی تراشه‌های کامپیوتر هم دچار بحران می‌شوند. من همیشه می‌گویم این خطای بزرگ تحلیلگران است که فکر می‌کنند انرژی ۱۰ درصد GDP است. پس اگر مشکل ایجاد شود، فقط همان ۱۰ درصد آسیب می‌بیند. نه‌اگر انرژی متوقف شود، کل ۱۰۰ درصد اقتصاد می‌ایستد.

گلن دیسسن: یعنی شما معتقد به جنگ با ایران می‌تواند از یک بحران منطقه‌ای به یک بحران جهانی تبدیل شود؟

مایکل هادسون: دقیقاً. وقتی فراتر از بحران جهانی می‌مولی. ما درباره چیزی صحبت می‌کنیم که می‌تواند از رکود بزرگ هم بدتر باشد. چون رکود ۱۹۳۰ عمدتاً یک بحران مالی بود. بدهی‌ها ترکیدند، بانک‌ها سقوط کردند. اما چیزی که امروز داریم متفاوت است. اگر انرژی قطع شود، شما دیگر نمی‌توانید فقط با پول مشکل را حل کنید. چون تولید فیزیکی متوقف می‌شود.

گلن دیسسن: ایران در این میان چه نقشی دارد؟ آیا صرفاً یک هدف است یا خودش هم یک باز بگر فستال؟

مایکل هادسون: ایران فقط یک هدف نیست. ایران در حال شکل دادن به یک نوع بازدارندگی جدید است. من آن را «نابودی متقابل اقتصادی» می‌نامم. مثل بازدارندگی هسته‌ای، اما در اقتصاد. ایران عملاً می‌گوید: اگر ما هدف نابودی قرار بگیریم، ما تنها نمی‌رویم. ما می‌توانیم کل ساختار انرژی منطقه را مختل کنیم. آیا یعنی چه؟ یعنی اگر شما بخواهید ما را از بین ببرید، ما می‌توانیم کاری کنیم که کشور‌های نفتی منطقه هم وارد بحران شوند. این باعث کمبود جهانی انرژی می‌شود. این همان چیزی است که من اسمش را می‌گذارم Economic MAD نابودی متقابل تضمین شده اقتصادی.

گلن دیسسن: این خیلی خطرناک به نظر می‌رسد. یعنی عملاً هیچ طرفی نمی‌تواند پیروز شود؟

مایکل هادسون: بله. دقیقاً. این نکته کلیدی است. اینجا دیگر بحث پیروزی نظامی نیست. اگر یکی از طرف‌ها بخواهد فشار را تا آخر ببرد، نتیجه آن فقط شکست طرف مقابل نیست، بلکه فروپاشی کل سیستم اقتصادی جهانی است. برای همین است که می‌گویم این فقط جنگ با ایران نیست. این یک گره در کل نظم اقتصادی جهانی است.

گلن دیسسن: شما گفتید انرژی فقط نفت نیست، بلکه کل اقتصاد است. می‌توانید این را بیشتر توضیح دهید؟

مایکل هادسون: بله. نگاه کنید به زنجیره‌ها. کود شیمیایی بدون گاز طبیعی وجود ندارد. بدون کود، کشاورزی مدرن فرو می‌ریزد. داروها و مواد شیمیایی صنعتی هم به همین شکل هستند. حمل‌ونقل هوایی بدون سوخت تقریباً فلج می‌شود. آلومینیوم بدون برق تولید نمی‌شود. تراشه‌های کامپیوتری بدون انرژی و مواد خاصی قابل تولید نیستند. بنابراین وقتی انرژی قطع می‌شود، شما یک صنعت را از دست نمی‌دهید. شما کل زنجیره تولید را از دست می‌دهید.

گلن دیسسن: بعضی‌ها می‌گویند اقتصاد جنگی می‌تواند این بحران را جبران کند. هزینه نظامی بالا برود و اقتصاد تحریک شود. نظر شما چیست؟

مایکل هادسون: این همان اشتباه قدیمی است که به آن «کینزگرایی نظامی» می‌گویند. این ایده می‌گوید دولت پول بیشتری برای ارتش خرج کند. اقتصاد رشد می‌کند. اما در واقع چه اتفاقی می‌افتد؟ منابع از اقتصاد واقعی گرفته می‌شود و به صنایع نظامی منتقل می‌شود. صنایع غیرنظامی ضعیف می‌شوند. مردم فقیرتر می‌شوند. و مهم‌تر از همه: این تسلیحات آن‌طور که تبلیغ می‌شود کار نمی‌کنند. ما در عمل می‌بینیم که بسیاری از این سیستم‌ها ناکارآمد هستند. بنابراین این اقتصاد جنگی، اقتصاد را نجات نمی‌دهد؛ آن را فرسوده‌تر می‌کند.

گلن دیسسن: اگر به سطح جهانی برگردیم، آیا این بحران می‌تواند کل نظام مالی را هم تحت تأثیر قرار دهد؟

مایکل هادسون: بله. قطعاً. چون این فقط یک بحران انرژی نیست، یک بحران مالی هم هست. کشورها برای واردات انرژی باید دلار بپردازند. اگر قیمت انرژی بالا برود، کشورها به‌دکارت‌ر می‌شوند. در نتیجه، شرکت‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان با بحران بدهی مواجه می‌شوند. این یعنی موجی از نکول بدهی (default). فراموش نکنید امریکا هم از این سیستم جدا نیست. امریکا از نظر مالی بسیار آسیب‌پذیر است، حتی بیشتر از بسیاری کشورها.

گلن دیسسن: یعنی حتی امریکا هم در امان نیست؟

مایکل هادسون: به‌اصلاً. این تصور که امریکا فقط برنده خواهد بود، اشتباه است. اگر سیستم جهانی دچار فروپاشی شود، امریکا هم آسیب می‌بیند. شاید حتی شدیدتر از دیگران، چون اقتصادش مالی شده‌است.

گلن دیسسن: شما گفتید این وضعیت ممکن است به یک رکود جهانی منجر شود. آیا این رکود شبیه ۱۹۳۰ است؟

مایکل هادسون: نه، بدتر است. چون در ۱۹۳۰ مشکل اصلی مالی بود. اما امروز شما یک مشکل فیزیکی دارید: توقف انرژی. وقتی تولید فیزیکی متوقف شود، دیگر نمی‌توان با سیاست پولی یا بدهی مشکل را حل کرد. این چیزی فراتر از رکود است. این یک فروپاشی ساختاری است.

گلن دیسسن: در این شرایط، نقش ایران چیست؟ چرا ایران این قدر مهم شده؟

مایکل هادسون: چون ایران نقطه‌ای است که این سیستم به آن بر خورد می‌کند. ایران می‌گوید: اگر قوانین بین‌المللی رعایت نشود و اگر ما تحت حمله قرار بگیریم، ما تنها نخواهیم رفت. و این پیام برای کل جهان است: هیچ کشوری در این سیستم ایمن نیست.

گلن دیسسن: پس در نهایت، این درگیری به کجا می‌رود؟

مایکل هادسون: ما در یک نقطه تصمیم هستیم. یا جهان باید یک نظم اقتصادی جدید بسازد، یا وارد یک دوره بحران و فروپاشی خواهد شد. اگر کشورها نتوانند همکاری کنند، اگر نتوانند ساختار انرژی، تجارت و مالی جهانی را بازسازی کنند، نتیجه آن یک رکود جهانی عمیق‌تر از هر چیزی خواهد بود که تاکنون دیده‌ایم.

مایکل دیسسن: یعنی شما آینده را کاملاً باز می‌بینید؟

مایکل هادسون: بله. اما نه به شکل مثبت یا منفی ساده. این یک انتخاب است. یا همکاری و بازسازی، یا فروپاشی.

منبع: https://michael-hudson.com, May 21, 2026